

ارزیابی تاثیر آموزش بر سیما و منظر شهری

الهام آگاه^{۱*}

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۱۵ تاریخ چاپ: ۱۴۰۳/۱۱/۳۰

چکیده

شهر به عنوان بزرگ‌ترین دستاورد بشر، علاوه بر در اختیار قراردادن امکانات و الزامات زندگی، می‌باید، با آموزش، شهروند را برای بر عهده گرفتن نقش مناسب و مثبت در صحنه حیات شهری، آماده نماید. با پررنگ شدن میزان آگاهی افراد در شیوه زندگی، نیاز مبرم شهروندان به آموزش‌های ضمن زندگی را چندین برابر شده است؛ اما این نیاز به یادگیری نمی‌تواند فقط در قالب آموزش‌های رسمی خلاصه شود بلکه نیاز است تا این آموزه‌ها به شیوه‌هایی خلاق در هر لحظه در اختیار شهروندان قرار گیرد. شهروند آموزش دیده می‌تواند با آموزش‌های مؤثر شهری، تأثیرات متعددی را بر تحول اجتماعی شهر بگذارد. در طراحی مبلمان شهری، باید ارسال پیام برای شهروندان با توجه به زبان و شیوه خصیصه‌های فرهنگی و هویت هر جامعه باشد تا برای شهروندان قابل ملموس تر بوده و ارتباط بصری ایجاد کند و در طراحی مبلمان شهری تطابق بین فرم و عملکرد که مکمل هم می‌باشند، حائز اهمیت است و اینکه این طراحی چگونه و در چه مکان‌هایی، با توجه به هویت شهر و جامعه طراحی شوند، خود نگرشی مهم برای آیت‌هایی است که ما در طراحی مبلمان شهری انتخاب می‌کنیم. در این راستا می‌توان به المان‌های درون شهر و پارک‌ها اشاره کرد که نقش موثری در القاء هویت شهری و تقویت حس مکان شهروندان داشته و باید طوری طراحی شوند که خوانایی آن‌ها از سوی شهروندان و هماهنگی طرح آن‌ها با وقایع و اتفاقات آن مکان سازگاری داشته باشند. منظر شهری به دلیل ماهیت عینی خود به نحوی با حواس انسان درگیر و برای انسان قابل درک می‌باشد.

واژگان کلیدی

فضای شهری، سیمای شهر، منظر شهر

۱. کارشناس فرهنگی، اجتماعی و ورزشی شهرداری داراب.

مقدمه

انسان موجودی اجتماعی و نیازمند به برقراری ارتباط است. این ارتباط نه فقط شامل بقیه انسان ها بلکه با اشیاء و ساختمانها و محیطش برقرار می شود. این ارتباط بر محیط شهری گسترش بیشتری می یابد و در عین حال حساس تر می شود. برقراری رابطه درست و متقابل انسان و محیط به قابلیت محیط بستگی دارد. نیاز به غیر منتظره بودن محیط، نیاز به پیچیدگی، نیاز به درگیری ذهن با محیط و دادن پاسخ های ذهنی به محیط جلوه های رنگارنگ نیاز زیبا شناختی انسان است.

در ماده (۴) قانون تعاریف و ضوابط تقسیمات کشوری شهر اینگونه تعریف شده است: «محلی است با حدود قانونی که در محدوده جغرافیایی بخش واقع شده و از نظر بافت ساختمانی، اشتغال و سایر عوامل دارای سیمایی با ویژگی های خاص خود بوده، به طوری که اکثریت ساکنان دایمی آن در مشاغل کسب، تجارت، صنعت، کشاورزی، خدمات و فعالیت های اداری اشتغال داشته و در زمینه خدمات شهری از خودکفایی نسبی برخوردار و کانون مبادلات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی حوزه جذب و نفوذ پیرامون خود می باشد...».

آنچه که در این تعریف وجود دارد، توجه به ابعاد کالبدی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و حتی سیاسی شهر است، اما آنچه ما در این پروژه به آن می پردازیم، این است که باید بدانیم که شهر واقعی است که علاوه بر فضاهای کالبدی به دلیل برخی ابعادش از حوزه علوم اجتماعی و حتی علوم انسانی خارج می شود و می توان آن را صرفا در بعد فضایی آن مورد بررسی و تحلیل قرار داد.

گرچه مطالعات و تحقیقات در فضای شهری بیشتر معطوف به کالبد فضای شهر و چگونگی آرایش آن و نقش آن در تسهیل امور شهری بوده است، ولی درقوانین و مقررات در حوزه مدیریت و برنامه ریزی توسعه شهری کشور، عامل انسانی و توجه به نیازهای انسانی در فضای کالبدی شهر نیز قابل مشاهده است.

زیبا شناسی مقوله ای است که از ادوار مختلف هنرشناسان مورد گفتگو و بحث بوده است. در بحث فضاهای شهری نیز زیبایی به عنوان یکی از لایه های تشکیل دهنده این فضا مطرح می گردد.

یکی از معیارهایی که می تواند در زیبا جلوه دادن محیط و فضا در نظر انسان تاثیر گذار باشد، وجود حس مکان و وجود احساسی عاطفی و تعلق بین انسان و محیط است. انسان ها معمولا متعلقات خویش را (به ویژه که مورد علاقه شان باشد) از موارد مشابهی که به خودشان تعلق ندارند زیباتر می دانند. علاوه بر موضوع احساس تعلق به مکان، احساسی که از حضور در مکان به انسان دست می دهد (در مقایسه با احساس هایی که در سایر مکان ها به انسان دست می دهد) می تواند به عنوان عامل تعیین کننده مرتبه و میزان زیبایی مکان ها مورد توجه قرار گیرد.

نما عنصری است که امروزه جزء جدائی ناپذیر از بدنه شهری محسوب می گردد مانند دیگر پدیده های معماری دارای تاریخچه است که در اینجا مورد مطالعه قرار می گیرد. طبیعی است که نما به مفهوم عام خود در طراحی معماری که تصویر علمی ساختمان در یکی از جهات چهارگانه می باشد مورد نظر ما نیست منظور از نما ضلعی از ساختمان است که

در معرض دید عموم و در تماس با فضاهای عمومی شهر قرار می گیرد، نقش نما تفکیک زندگی خصوصی از زندگی شهر است، سیمای و زیبایی شناسی نمای ابنیه انحصاری و انفرادی نیست، نماها تعریف کننده فضای خیابان و یا میدان هستند و به همین دلایل است که نما از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است.

امروزه بسیار اتفاق افتاده است که با دیدن نمای یک ساختمان یا مکان، احساسات متفاوتی داشته باشیم. احساس تحسین یا احساس مصونیت و اطمینان و یا حتی حقارت. این موضوع یکی از دغدغه های اصلی مدیریت شهری و بسیاری از متخصصین است و این که آیا در خصوص داشتن نمای زیبا برای ابنیه و فضاهای شهری، وجود ضوابط و مقررات قانونی ضرورت دارد و یا اینکه وجود قوانین و مقررات می تواند عاملی برای رعایت ضوابط مربوط به سیمای شهری باشد؟ نقش و وظایف مدیریت اجرایی شهر در خصوص سیمای شهری چیست؟ در این پروژه جایگاه قانونی وظایف شهرداری ها در خصوص مدیریت سیمای و منظر شهری با تاکید بر وظایف شهرداری ها مورد بررسی قرار گرفته است.

برای سکونت و زندگی، شهر خانه ای است بزرگ و همان گونه که خانه باید از صفات و مزایایی برخوردار باشد تا سکونت و زندگی را مطلوب و آسایش بخش سازد، شهر نیز باید دارای کیفیات و ویژگی هایی برای تأمین آسایش و راحتی باشد و نیز مانند خانه محیطی گرم و صمیمی و دلپذیر که زندگی را مطلوب سازد. اگرچه در بسیاری موارد و به در کشورها و شهرهای گوناگون هنوز خانه از بسیاری از صفاتی که باید و می تواند داشته باشد محروم است؛ طرح آن مطابق با زندگی ساکنین نیست؛ نسلی تازه گرفتار و محبوس طرح و ساختمانی است که خود در آن دخالتی نداشته و نسل یا نسل های گذشته برای وی باقی گذاشته اند؛ تسهیلات و تجهیزات یا کافی نیستند و یا کیفیت مطلوب ندارند؛ عرصه های خصوصی و عرصه های جمعی زندگی به گفته «چرمایف» و «الکساندر» از یکدیگر جدا نشده و هیچ یک حرمت و حریم خویش را نیافته اند؛ خانه به عوامل زیبایی و معیارهای هنرمندانه آراسته نیست و مسائلی از این قبیل که همه کم یا بیش با آن آشنائیم و سروکار داریم. با این همه امکان چیرگی بر مشکلات یک خانه هم به مراتب از امکان رفع مشکلات یک شهر کمتر است و هم آنکه اصولاً در مقام مقایسه، به مسئله خانه دست کم از این نقطه نظرها بیشتر از مسائل شهر توجه شده است؛ و بعنوان مثال این که خانه باید سیمائی مطلوب و دلپسند داشته باشد مسئله ای است که معماران، دست اندرکاران، هنرشناسان و خبرگان از مدت ها پیش به آن توجه کرده اند؛ اما کمتر به موضوع سیمای شهر توجه شده است.

مسئله توجه به سیمای شهر، فقدان آن و کوشش در شناسائی و به وجود آوردن آن از جمله یک از مهمترین مشکلات شهر است. افزایش جمعیت که مدام زندگی شهرها را تهدید می کند و از جمله عوامل فساد و پستی و بیگانگی در شهرها است؛ روی آوردن بی رویه جمعیت روستائی به شهرها و شهرهای بزرگ، مسائل ترافیک، مسائل آلودگی هوا، مسئله فضای باز، فضای سبز و فضای بازی و بسیاری مسائل دیگر مانند آن در عین آن که به جای خود قابل توجه و سزاوار اندیشه فراواند مسائلی هستند که درباره شان به طور کلی و نسبی چندین برابر مسئله سیمای شهر و مشکلات آن سخن گفته شده و کتاب و مقاله به رشته تحریر درآمده است.

سیمای شهر در واقع تمام عواملی از شهر که به دیده می آید و چشم قادر به تماشای آن است. تمام این عوامل بصورت انفرادی و خاصه در حالتی که به صورت پیوسته و دسته جمعی در هر لحظه از زمان ترکیب چند یا چندین عامل با هم عمل می کنند

تماشای شهر، هر چقدر که مناظر آن معمولی باشد دلپذیر تواند بود. شهر نیز مانند یک بنای نفیس معماری، ساختمانی است که در فضا قد برافرازد با این تفاوت که مقیاسی بزرگتر دارد و تنها با گذشت زمان شکل و سیمای نهائی خود را می یابد. از این رو می توان گفت که طرح شهر فی المثل مانند موسیقی، هنری است که به زمان بستگی دارد، اما برخلاف موسیقی نمی تواند در طرح شهر زمان را تنظیم کرد یا بر فواصل آن حدی متصور داشت. تسلسل زمانی که در طی آن شهر نشو و نما می یابد تحت شرایط گوناگون و برای مردم مختلف ممکن است دگرگون شود، قطع گردد، از میان برود. مضافاً به این که تغییر آب و هوا و تغییر نور به شهر رنگ های گوناگون می دهد که به تأثیر این تغییرات سیمای شهر نیز گوناگون می شود.

شهر نه تنها عاملی است که مورد مشاهده میلیون ها مردم از هر طبقه ای که باشند و هر روحیه ای که داشته باشند قرار می گیرد بلکه محصول کارسازندگان بسیاری است که مدام ساختمان آن را بسته به احتیاج و امیال خود تغییر می دهند. در حالی که سیمای کلی آن ممکن است برای مدتی ثابت بماند اما اجزاء آن دائم تغییر می کند.

آن چه در طرح نکاتی که کوین لینچ (استاد دانشگاه های آمریکا) در سیمای شهر مورد توجه قرار می دهد فوق العاده حائز اهمیت است و آغاز دگرگون کردن مفهوم شهر، از پدیده ای دو بعدی و کاغذی - چنان که موسوم نقشه کشان شهری بوده - به پدیده ای چند بعدی و همراه آن زندگی شهری است. بسیاری از طرح هایی که برای بسیار از شهرهای جهان در میان شتاب عصر حاضر تهیه شده دوبعدی است و بدون ملاحظات است که بخش اعظم کیفیات بصری شهر پدید می آورد.

پاره ای از دلایل چنین وضعی البته مربوط به آن است که در حال حاضر وسائل ما برای تجسم و ادارک و نیز ترسیم شهر در فراسوی دوبعد، ناقص است؛ اما پاره ای دیگر از دلایل، مربوط به نقص اصولی است که در شناخت شهر در وری مفاهیم دوبعدی آن موجود است.

در واقع نمای شهری متشکل از بناهای شهری است بنابراین وقتی که از دید معماری با این کلمه برخورد می کنیم اشاره مستقیمی به نمای ساختمان ها داریم؛ نمای مختص یک بنا در چهارچوب پلان معماری؛ اما زمانی که زاویه دید ما شهر گرایانه باشد، بحث منظر شهری مطرح می شود که گستردگی بیشتری دارد و مجموعه المان های معماری و محیطی را که در کنار هم قرار می گیرند شامل می شود. در این نگاه فضاهای سبز، نماهای ساختمان ها، نوع قرار گرفتن اتصالات شهری و ... مورد بررسی قرار می گیرند.

در بحث نمای ساختمان های کنونی، چیزی که بیشترین تأثیر را دارد، سلیقه های شخصی است. حالا این سلیقه ها در سطح گسترده هم می تواند نقطه قوت باشد هم نقطه ضعف. البته در حیطه معماری یک بنا می توان به سلیقه رفتار کرد اما

در واقع وقتی وارد حیطه عمومی می شوید جامعه حقی بر گردن دارد که باید اجرا شود. ممکن است که سازنده به دلیل مسائل اقتصادی و یا عدم دانش کافی نتواند سازه ای منطبق با فضای اطرافش بسازد آن وقت است که دستگاه های اجرایی باید با نظارتی ارشادی وارد عمل بشوند.

نبود قانون های لازم در بحث سیمای شهری یکی از دغدغه های سیستم اجرایی است، در طول این چند دهه تنها حجم بسیار کمی از توجهات قانون گذران به معماری بوده است و بیش از آن به این حوزه توجه نشده، پس با این حساب چیزی نیست که بشود به آن استناد کرد و میزان تخطی از آن مورد بررسی قرار داد.

مبانی نظری

فضای شهری

فضای شهری بخشی از فضاهای باز و عمومی شهرها هستند که به نوعی تبلور زندگی جمعی می باشند. یعنی جایی که شهروندان در آن حضور دارند. فضاهای شهری صحنه ای است که داستان زندگی شهری در آن گشوده می شود. فضایی که به همه ی مردم اجازه می دهد که به آن دسترسی داشته باشند و در آن فعالیت کنند. بنابراین شرط اساسی برای اینکه یک فضای عمومی، فضای شهری تلقی شود این است که در آن تعامل و تقابل اجتماعی صورت گیرد. پس آن دسته از نرم فضاها و سخت فضاها که بستر تعامل اجتماعی نیستند فضای شهری نامیده نمی شوند. (پاکزاد، ۱۳۸۵)

سیمای شهر

تمام عناصر و عوامل شهری است که به دیده می آید، چشم قادر به تماشای آن می باشد و در ذهن و خاطره انسان شکل می گیرد.

منظر شهری

یکپارچگی بصری و ساختاری مجموعه ساختمان ها، خیابانها و مکان هایی است که محیط شهری را می سازد.

منظر مطلوب

مشخص ترین جنبه زیبایی شناسی یک شهر «منظر» است. در شهر و پیرامون شهر هر چیزی که به نظر مطلوب و خوشایند برسد منظر نامیده می شود. منظر از عوامل متعددی تشکیل می شود. از ترکیب بناها و سیمای ساختمانها و شکل فضاها تا چگونگی ترکیب عناصری طبیعی در کالبد شهرها، در حیطه منظر شهری و منظر طبیعی است. نتیجه نهایی منظر خوب، خوشایندی و منظر بد، تنفر از محیط زندگی است. اصل زیبایی در شهرسازی با ایجاد مناظر مطلوب و خوشایند تجلی می کند

نما

نما عنصری است که امروزه جزء جدائی ناپذیر از بدنه شهری محسوب می گردد مانند دیگر پدیده های معماری دارای تاریخچه است که در اینجا مورد مطالعه قرار می گیرد. طبیعی است که نما به مفهوم عام خود در طراحی معماری که تصویر علمی ساختمان در یکی از جهات چهارگانه می باشد مورد نظر ما نیست منظور از نما ضلعی از ساختمان است که

در معرض دید عموم و در تماس با فضاهای عمومی شهر قرار می گیرد، نقش نما تفکیک زندگی خصوصی از زندگی شهر است، سیما و زیبایی شناسی نمای ابنیه انحصاری و انفرادی نیست، نماها تعریف کننده فضای خیابان و یا میدان هستند و به همین دلایل است که نما از حساسیت و اهمیت بیشتری برخوردار است. با توجه به مصوبه سال ۱۳۶۹ شورای عالی شهرسازی و معماری، وزارت مسکن و شهرسازی، وزارت کشور موظف به تهیه و ابلاغ ضوابط و مقررات نمای شهری ظرف ۱ ماه بوده که این کار ظرف ۱۸ سال گذشته صورت نگرفته است و این کار باعث آزاد گذاشتن دست مالکان در اعمال سلیقه های شخصی و هنرنمایی اغراق آمیز طراحان شده است تا دست یکدیگر نمای شهرها را به زشت ترین و بی هویت ترین نماها تبدیل کنند.

نمای شهری

کلیه سطوح نمایان ساختمانها و سایر عناصر شهری واقع در محدوده قانونی شهرها، شهرکها که بدنه فضاهای شهری را تشکیل داده واز داخل معابر و یا محلهای خاص قابل مشاهده است اعم از نمای اصلی یا نماهای جانبی، نمای شهری محسوب می شود. تعیین نماهای شهری قابل مشاهده از محلهای خاص به پیشنهاد مشترک سازمان مسکن و شهرسازی استان (بنیاد مسکن انقلاب اسلامی) و شهرداری شهر و تایید شورای شهرسازی و معماری استان و در طول برنامه سوم توسعه، کمیته جمعیت، آمایش و محیط زیست خواهد بود.

نماهای شهری با ارزش تاریخی و ویژه

آن قسمت از بدنه فضاهای شهری که در طرحهای توسعه شهری به عنوان نماهای با ارزش تاریخی و ویژه مشخص و تصویب شود و نیز نماهایی که حسب مورد در کمیسیون ماده ۵ و در مورد طرحهای هادی شهری در مرجع ذیربط پیشنهاد و تصویب کند نمای با ارزش تاریخی یا ویژه محسوب می شود. در مورد بافتها یا ابنیه ای که به ثبت سازمان میراث فرهنگی کشور رسیده اند ملاک تعیین ارزش گذاری نمای شهری این آثار، سازمان مذکور خواهد بود.

دستورالعملها و راهنماها و ضوابط طراحی شهری

دستورالعملها، راهنماها و ضوابطی است که جهت ساماندهی کالبدی شهرها و مناطق شهری و یا نماهای با ارزش و ویژه تدوین می شود. این ضوابط و دستورالعملها در قالب طرحهای توسعه و عمران شهری و یا بصورت مجزا تهیه شده و پس از تایید مراجع مسئول تصویب آنها رعایت مفاد آن در کلیه ساخت و سازهای شهری (شامل اقدامات عمرانی نهادهای دولتی و عمومی و همچنین ساخت و سازهای شخصی) الزامی می گردد.

الحاقات به نماهای شهری

آن دسته عناصری هستند که علاوه بر مشخصات مندرج در نقشه های ساختمان به نماهای آن افزوده شده است. الحاقات به ترتیب مندرج در هر دستورالعمل و راهنماهای طراحی شهری به دو دسته مجاز و غیرمجاز تفکیک می شود. نمای ساختمان خالق نمای شهری است نمای شهری از مجموعه نماهای مشرف به فضای عمومی به دست می آید. این نماها از جهتی همگن و از جهتی ناهمگن هستند. می توانند همگن باشند چون با استفاده از زبانی مشترک روی بدنه اجزا

شهر اجرا می شوند و اما از آنجا که هر کدام از این فضاها به کمک این زبان، مقاصد و نیازهای خود را بیان می کند، ناهمگن هستند. در شهرهای ما زبان مشترکی بین نماها وجود ندارد. نه فرهنگ مشترکی برای بیان دارند، نه مصالح یکسانی به کار گرفته اند و نه سبک مشخصی را دنبال می کنند. در واقع هر یک از نماها در شهر نشانه وضعیت اقتصادی و اجتماعی سازنده و نحوه تفکر و نگرش او به مسایل مختلف است. نمای شهری در واقع ترکیبی از اجزا متفاوت است که بر اساس اتفاقاتی که در خیابانها و معابر می افتد شکل می گیرد. این اجزا در صورت رعایت مسایلی که پیش از این نیز به آن پرداخته شد می توانند با یکدیگر نقاط اشتراک جالبی داشته باشند که نمی توان وجود آنها را نفی کرد.

نما در لغتنامه دهخدا به معنای صورت ظاهری هر چیزی، آنچه که در معرض دید و برابر چشم است، آنچه از پیروی سوی دیده می شود. منظره خارجی بنا و عمارت، قسمت خارجی ساختمان و نماسازی، فن روسازی ساختمان و ساختن نمای عمارت است.

در سالهای اخیر پس از مطرح شدن دوباره اهمیت فضاهای عمومی و ارزش زندگی شهری، نما اهمیت دوباره ای یافته است. نما در عمل درون ساختمان را از بیرون و فضای خصوصی را از فضای عمومی جدا می کند. نما حاکی از موقعیت فرهنگی سازندگان ساختمان است و نشانگر میزان نظم طرح ساختمان، امکانات و ذوق تزئین و خانه آرایایی طراح و مالک است. یک نما به مثابه معرفی وضعیت ساکنان ساختمان در بین عموم است. نما در واقع صورت ساختمان و بهترین بیان حالتی است که فرد طراح یا مالک از خود در برابر بیرون دارد. نماهای داخل ساختمان بیشتر جنبه خصوصی دارند، لیکن نماهایی که به سمت کوچه و بافت شهر باز می شوند، جنبه عمومی تر دارند.

بنابراین وجوه پشت و جلوی ساختمان از یک طرف دارای نمود اجتماعی و از طرف دیگر نمود مشخص ساکنان خود است، بنابراین نمای هر ساختمان باید هم با فضای عمومی همبستگی داشته باشد و هم بتواند حجم داخلی ساختمان را بیان نماید. نمای هر ساختمان در مجموعه شهری که در آن حضور دارد، موثر است و این تأثیر را به بدنه خیابانها یا میدانها که در آن قرار گرفته است، انتقال می دهد. اگر به نمای ساختمان واحدی، بدون در نظر گرفتن نمای دیگر ساختمانها فکر شود، همگونی نمای شهری در کلیت از بین می رود. تناقض بین جنبه شهری و بیان فردی نما در صورتی می تواند از بین رود که ساختمان جزئی از شهر در نظر گرفته شود و ارتباطات آن با محیط اطراف چند جانبه باشد. نمای رو به کوچه و خیابان باید تابع عوامل همبستگی بین نماهای اطراف باشد اما در عین حال براساس ترکیبی از اجزای مختلف برحسب عملکرد، ابعاد و مصالحشان شخصیت خاص خود را دارد. نما در واقع یک سطح صاف و تخت نیست بلکه آن سطح انتقالی بین فضای داخل و خارج است که با عقب نشستگی و پیش آمدگی، تراس و غیره با فضای داخل مسکن ارتباط پیدا می کند. برای اینکه نمای ساختمان حریم خصوصی ساکنان خود را حفظ کند باید نسبت به خیابان بسته تر و محفوظ تر باشد.

نمای ساختمان باید به دنبال خلق یک کلیت هماهنگ به وسیله تناسب خوب پنجره ها، بازشوهای در سایبان و محدوده سقف ها، سازه عمودی و افقی، مصالح، رنگ، عناصر تزئینی و ... باشد. پنجره ها همواره با دیگر عناصر دیوار، سطوح باز

و بسته، تیره و روشن، صاف و ناهموار را به وجود می آورند. به علت تکرار دوره‌ای پنجره‌ها، در ساختمان‌های چند طبقه، نظم کاملی به چشم می خورد اما گاه به علت افزایش نور در طبقات بالاتر کاهش داده می شود و این نظم آهنگ خود را از دست می دهد.

جداسازی عناصر افقی و عمودی تأثیر کلی در نما دارد. تناسبات عناصر ساختمان لازم است با کل ابعاد ساختمان مطابقت داشته باشد. برای مثال در ساختمان‌های کوتاه عریض، ابعاد عرضی غالب خواهد بود. در ساختمان‌های بلند عناصر باریک برتری خود را نشان می دهند. در پنجره و نعل در گاه تأثیر خاصی در نما می گذارند. ناودان‌ها، سایه بان‌ها، پیش آمدگی‌های سقف و بالکن‌ها ایجاد سایه‌های خاصی روی نما می کنند. تفاوت سطح‌ها باید در نما مشخص باشد. برای مثال بین طبقه همکف، سایر طبقات و طبقه انتهایی باید یک تفاوت اساسی وجود داشته باشد. ترکیب کلی نما در واقع نظم در این تفاوت‌هاست.

عناصر اصلی نما مثل پنجره، در سطوح و محدوده پایانی سقف و غیره در شکل، رنگ و مصالحشان با یکدیگر اختلاف دارند. این عناصر معناهای متفاوتی دارند. مثلاً نمی توان بالا و پایین پنجره و در را با هم هم ردیف کرد. اگر ارتفاع این بازوها یکسان نباشد می توان از ضرائب مشترک و یا رنگ‌های یکسان استفاده نمود. نسبت‌های هندسی نقش تعیین کننده‌ای در هماهنگ‌سازی ظاهر نما دارند. می توان پنجره‌ها را در گروه‌های کوچک‌تر ترکیب شده که شکل مشخصی را ایجاد می کنند، دسته بندی کرد. نماها می توانند از نظر مصالح نیز با یکدیگر متفاوت باشند. مصالح نما در رنگ، شکل، زبری و خشنی نما تأثیر می گذارد. مصالح بومی نشان می دهد که نما مربوط به چه منطقه‌ای نیست.

ترکیب پنجره‌ها، ایوان‌ها، درها و به طور کلی بازوها، همچنین بافت و جنس نما و کمپوزسیون آن در هر عصر متفاوت است و در عین حال در یک تداوم شهری تغییر می کند. طراح می تواند نما را به عالی ترین حد ترکیب معماری برساند و یا آن را تا حد یک سطح بدون طراحی و فکر رها کند. در اعصار مختلف بازوها به شکل مشابهی در سطح نما قرار می گیرند و تنوع در قرارگیری آنها تابع عوامل داخلی چون بزرگی ساختمان، عریض بودن آن و یا عوامل اقلیمی چون جهت قرارگیری و محل قرارگیری است. در پهنای دیوار نما تعبیه پنجره دو جداره، آفتاب شکن، سایبان و... نقش تنظیم کننده شرایط آب و هوایی فضاها را خواهد داشت. در دیوارهای باریک معاصر این عمل با جلو و عقب آمدن ساختمان انجام می شود. یکی از عوامل ضروری در هویت نما، تعیین محدوده نما است. نما می تواند در طرح خود موفق باشد که به این سوال‌ها پاسخ گوید. محدوده عمودی جانبی ساختمان کجاست؟ خط پایانی افقی ساختمان چگونه است و مرز ساختمان در آسمان به چه شکل است؟ انتهای ساختمان چگونه به پایان می رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان همسایه دارد ارتباط آن با نمای ساختمان فعلی با نمای همسایه چگونه به پایان می رسد؟ گوشه‌های ساختمان چه وضعی دارد؟ اگر ساختمان همسایه دارد ارتباط با نمای همسایه چگونه است و اگر در فضا قطع می شود این ارتباط چگونه است. محدوده‌های افقی ساختمان عبارتند از: نقطه اتصال به آسمان (محدوده پایانی ساختمان)، نقطه اتصال به زمین (محل نشستن ساختمان بر زمین) و پوشش ساختمان مثل بام و شیروانی، محدوده پایانی

ساختمان باید معنای اتمام ساختمان را با خود داشته باشد و طبقه همکف ساختمان را با خود داشته باشد و طبقه همکف ساختمان باید مفهوم نشستن ساختمان بر زمین را برساند. طبقه همکف باید در محدوده قد افراد کشتش لازم را بر عابر پیاده و بیننده ایجاد کند.

کنج یا گوشه نما در واقع محل برخورد دو نمای عمود بر هم است. کنج می تواند حالت عمود ۹۰ درجه، نیم دایره یا سه وجهی را داشته باشد و هر کدام می تواند تأثیرات متفاوتی را در نما بگذارد. در یک میدان یا چهار راه هماهنگی کنج های ساختمان هایی که در چهار طرف آن قرار گرفته است می تواند در نمای شهری تأثیر زیبایی داشته باشد. نمای ساختمان خالق نمای شهری است.

نمای شهری از مجموعه نماهای مشرف به فضای عمومی به دست می آید، این نماها از جهتی همگن و از جهتی ناهمگن هستند. می توانند همگن باشند چون با استفاده از زبانی مشترک روی بدنه اجرای شهر اجزا می شوند و اما از آنجا که هر کدام از این فضاها به کمک این زبان، مقاصد و نیازهای خود را بیان می کنند، ناهمگن هستند. در شهرهای ما زبان مشتری بین نماها وجود ندارد. نه فرهنگ مشتری برای بیان دارند، نه مصالح یکسانی به کار گرفته اند و نه سبک مشخصی را دنبال می کنند. در واقع هریک از نماها در شهر نشانه وضعیت اقتصادی و اجتماعی سازنده و نحوه تفکر و نگرش او به مسائل مختلف است.

نمای شهری در واقع ترکیبی از اجزای متفاوت است که براساس اتفاقاتی که در خیابان ها و معابر می افتد شکل می گیرد. این اجزا در صورت رعایت مسائلی که پیش از این نیز به آن پرداخته شد می توانند با یکدیگر نقاط اشتراک جالبی داشته باشند که نمی توان وجود آنها را نفی کرد.

ورودی یکی از عناصر حائز اهمیت در ساختمان است که محل و اهمیت طراحی آن به شکل مستقیم نمایانگر نقش و عملکرد ساختمان است. در ورودی نشانه گذر از فضای عمومی خارجی به فضای خصوصی داخلی و یکی از مهمترین عناصری است که می توان به عنوان نشانه ساختمان از آن نام برد.

لیکن به دلیل اهمیت اقتصادی که سطوح ساخته شده داخلی برای سازندگان دارند، اغلب ورودی ها به فضاهای کم اهمیتی تنزل یافته اند. سرمایه گذران ساختمانی هم فقط به رعایت ضوابط ضروری طراحی ساختمان بسنده می کنند. بیشترین مشکل زمانی است که ورودی وسایل نقلیه به حیاط پارکینگ با ورودی خود ساختمان یکی شود. در این حالت فرد واردشونده به ساختمان فقط یک راه باریک کنار دیوار برایش باقی می ماند. گاه نیز ورودی یک ساختمان مسکونی بیش از حد پرتجمل است، به نحوی که عملکرد ساختمان را دگرگون می سازد. زمانی هم ورودی به یک بنای بزرگ تنها با روزنه ای امکانپذیر می شود. تناسب ورودی و حجم ساختمان می تواند نقش مهمی در توجیه عملکرد و شکل ساختمان داشته باشد.

از آنجا که طبقه همکف ساختمان قسمت اتصال به زمین یا کف پیاده رو است، به صورت قابل توجهی در معرض دید قرار می گیرد. طبقه همکف اهمیت ویژه ای در زندگی شهری دارد، به این علت که عابران پیاده این قسمت را به طور

مستقیم می‌بینند. از این رو نمای این قسمت پراهمیت است و مصالح مورد استفاده در این قسمت باید نسبت به بقیه ساختمان بادوام‌تر و مستحکم‌تر باشد تا عابر در نگاه به نمای ساختمان احساس ثبات کند. ساختمان‌هایی که طبقه همکف آن‌ها عملکرد تجاری دارد، به دلیل تغییر دکوراسیون واحدهای تجاری دائماً دستخوش دگرگونی می‌شوند. همین موضوع موجب می‌شود که ساختمان مذکور شخصیت ثابت خود را از دست داده و دارای نمای شناخته شده ثابتی نباشد.

تراس‌ها چشم‌اندازهای جدیدی نسبت به فضاهای بیرون برای ساختمان فراهم می‌آورند. بالکن‌ها نباید حالت موقت و ناپایداری که در بیننده تصور به راحتی جدا شدن از بدنه ساختمان القا شود را داشته باشند. لبه بام حد و مرز ساختمان و آسمان است و از نظر بصری بام انتهای نماست. بام پوسته‌ای است که بر سر ساختمان قرار دارد؛ بنابراین لبه بام نمی‌تواند بدون تفاوت با دیگر قسمت‌ها در آسمان رها شود.

صورت ظاهر ساختمان و آنچه که در برابر دید عموم قرار دارد، در واقع پراهمیت‌ترین قسمت ساختمان در برابر عابران و سایر افراد غیراستفاده کننده از ساختمان است. همان‌طور که عنوان شد نمای ساختمان‌ها، نمای شهری را ایجاد می‌کند اما به دلیل ضعف قوانین موظف‌کننده طراح و سازنده در این ارتباط، نمای ساختمان در کمترین اهمیت قرار گرفته است.

تعریف آموزش شهروندی

آموزش شهروندی به عنوان ارائه اطلاعات و تجارب یادگیری جهت تجهیز و توانمندسازی شهروندان برای مشارکت در فرایندهای دموکراتیک تعریف می‌شود. این مهم شامل تجلیات کلامی، نموداری یا تصویری، اصول، مفروضات و چارچوب‌هایی است که برای تربیت شهروندان الزامی است. تربیت شهروندان به آن بخش از فعالیت‌های تربیتی گفته می‌شود که در شکل‌های رسمی و غیررسمی افراد یک جامعه برای عضویت در جامعه سیاسی آماده می‌کند.

آموزش شهروندی، کسب آگاهی در مورد حقوق شهروندی است. این عامل، نقش مهمی در نهادینه شدن حقوق شهروندی دارد. آموزش شهروندی منجر به تحکیم و تقویت نظام ارزشی مهارت‌های شهروندی در جهت استحکام دموکراسی و مشارکت پایدار شهروندان می‌گردد. این مؤلفه ضامن بقاء و تداوم حیات اجتماعی و میزان توسعه همه‌جانبه جوامع صنعتی و رو به پیشرفت است. چنین تربیتی از همان آغاز طفولیت نوعی اعتماد به نفس و رفتارهای مسئولانه را از نظر اجتماعی و اخلاقی به وجود می‌آورد.

اهمیت آموزش شهروندی

استراتژی یونسکو در قلمرو آموزش شهروندی و حقوق انسانی مبنی بر رویکرد جامع برای حقوق انسانی است. این حقوق غیرقابل تقسیم بوده و وابستگی متقابلی با همه حقوق شهروندی (فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی) دارد. در این دیدگاه، هدف آموزش شهروندی انتشار و توزیع اطلاعات برای ساختن یک فرهنگ کلی حقوق انسانی با بهره‌مندی

دانش و مهارت قالب بندی نگرش های مثبت و آماده کردن فراگیران با توانایی های لازم برای همراهی و ایجاد تغییرات اجتماعی است.

نقش دیگر این مولفه، ارائه اطلاعات و آگاهی در مورد مسایل عمومی جامعه در ابعاد محلی، ملی و جهانی است. چنین آموزه هایی واجد فضایل و اخلاق مدنی و جمعی است و جستجویی برای مساوات طلبی است. در واقع آموزش شهروندمداری در یک جامعه باعث این شده که تمام اعضای جامعه از حس شهروندی مثبتی به صورت ملی برخوردار باشند و ضمن برخورداری از احترام ملی، از حقوق مشخص اجتماعی و سیاسی و اقتصادی و فرهنگی بهره مند گردند. بنابراین هدف آموزش حقوق انسانی و شهروندی عبارت است از: تلاش و کوشش فراوان در رابطه با حقوق انسانی و آزادی های اساسی. توسعه کامل شخصیت انسانی و احساس وی از جایگاه و مرتبه خود. رشد ادراک افراد، برابری جنسیتی و دوستی و برادری بین همه ملل، افراد بومی و گروه های نژادی، تقویت فعالیت هایی در جهت برقراری صلح.

عوامل مؤثر بر شکل گیری نمای ساختمان

محیطی به لحاظ زیبایی شناختی لذت بخش است که تجربیات حسی را براساس ساختار ادراکی و عناصر ذهنی مخاطبین و به گونه ای تازه تر، برای آنها تداعی نماید. معنای این جمله آن است که اطلاعات موجود در محیط توسط رابط های حسی فرد قابل درک است و افراد نه تنها خواهان تجربه آنها براساس الگوهای موجود در ذهن خود می باشند، بلکه انتظار دارند اتفاق جدیدی را نیز تجربه نمایند.

حال این سوال مطرح می گردد که آیا معماران و طراحان شهری، فضاهای شهری را برای جواب گویی به حس های شهروندان طراحی می کنند؟ آنچه مشاهده می گردد آن است که کار طراحان و شهرسازان در تحقق جنبه های زیبایی شناختی و برانگیختن حس و تشویق ذهن شهروندان به دنبال هم آوردجویی دو طرفه بین محیط و شهروند نبوده است. کوشش های صورت گرفته اکثراً به تک بناها معطوف گردیده است، اما شهر فراتر از تک بناها و فضاهای ویژه و جریانات موثر اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نیز در خارج از پوسته کالبدی ساختمان ها و خیابان ها عمل می نمایند. این جریانات واکنش جامعه نسبت به فضاها و یا ساختمان ها را نشان می دهد که ناشی از فرهنگ، تاریخ و ساختار روانی و اجتماعی ساکنین شهر می باشد.

شهرداری ها و توسعه شهری

در نظام مدیریت و برنامه ریزی شهری ایران، شهرداری مسئول مستقیم نظارت، کنترل و هدایت توسعه فضایی شهرها در چارچوب قانون و در راستای اهداف و راهبردهای طرح های توسعه شهری (جامع، تفصیلی و هادی) است و نقش مهمی در انتظام و سامان دهی فضایی شهرها بر عهده دارد. در این بین اهمیت تحقق و پایداری نظام مدیریت سیما و منظر شهری به منظور ایجاد نظم و توازن در فضاهای شهری حایز اهمیت ویژه ای است. عدم تحقق این مهم، موجب عدم انتظام سلسله مراتب فعالیت و خدمات و سرانجام عدم سازمان یابی فضایی درون شهرها می گردد.

در ماده (۵۵) قانون شهرداری مسئولیت شهرداری‌ها در حوزه بهداشت شهری، مدیریت زیست محیطی و ساخت و سازهای شهری وظایف حاکمیتی و نظارتی شهرداری‌ها به عنوان یکی از نهادهای مسئول در حوزه مدیریت شهری تعیین و مشخص شده است که عدم رعایت هر یک توسط شهروندان و یا عدم نظارت بر انجام آنها توسط شهرداری‌ها بر زیبایی فضاها و سیمای شهر اثر نامطلوب خواهد داشت. در حوزه بهداشت عمومی وظیفه شهرداری در زمینه جمع‌آوری و رفت و روب معابر کاملاً مشخص و تعریف شده است، زیرا عدم نظافت معابر نازیبایی شهری را به دنبال خواهد داشت.

«نظافت و نگهداری و تسطیح معابر و انهار عمومی و مجاری آب‌ها و فاضلاب و تنقیه قنوات مربوط به شهر و تامین آب و روشنایی به وسایل ممکنه».

یکی دیگر از مسایل و مشکلاتی که بر زیبایی شهرهای ایران سایه افکنده است و فضاها را مخدوش می‌کند، سد معبر و یا اشغال فضاها توسط شهروندان است که عدم نظارت شهرداری‌ها در این خصوص می‌تواند سیمای شهری را تحت تاثیر قرار دهد. این در حالی است که شهرداری متولی جلوگیری از چنین اغتشاشات بصری است.

«سد معابر عمومی و اشغال پیاده‌روها و استفاده غیرمجاز آنها و میدان‌ها و پارک‌ها و باغ‌های عمومی برای کسب و یا سکنی و یا هر عنوان دیگری ممنوع است و شهرداری مکلف است از آن جلوگیری و در رفع موانع موجود و آزاد نمودن معابر و اماکن مذکور فوق وسیله مامورین خود راساً اقدام کند».

شهرداری‌ها به عنوان تنها نهاد مجری طرح‌های توسعه شهری در کشور وظیفه صدور پروانه ساختمانی را بر عهده داشته و مکلفند طبق ضوابط طرح‌های توسعه شهری و براساس نقشه مذکور در پروانه‌های ساختمانی نوع استفاده از ساختمان را قید کنند و از هر نوع استفاده خلاف مندرجات پروانه ساختمانی جلوگیری بعمل آورند.

شهرداری‌ها دارای اختیار نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر از جمله تعیین تعداد طبقات و ارتفاع و نماسازی و کیفیت ساختمان‌ها براساس نقشه جامع شهر و منطقه‌بندی آن با رعایت ضوابط و معیارهایی که از طرف شورای عالی شهرسازی تعیین و وسیله وزارت کشور ابلاغ خواهد شد هستند و با استفاده از اختیارات فوق مکلف به مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها و تأمین تسهیلات لازم برای زندگی اجتماعی خواهند بود.

نوسازی و عمران و اصلاحات اساسی و تأمین نیازمندی‌های شهری و احداث و اصلاح و توسعه معابر و ایجاد پارک‌ها و پارکینگ‌ها (توقف‌گاه‌ها) و میدان‌ها و حفظ و نگهداری پارک‌ها و باغ‌های عمومی موجود و تأمین سایر تأسیسات مورد نیاز عمومی و نوسازی محلات و مراقبت در رشد متناسب و موزون شهرها از وظایف اساسی شهرداری‌ها است و شهرداری‌ها در اجرای وظائف مذکور مکلف به تهیه برنامه‌های اساسی و نقشه‌های جامع هستند.

به منظور بهبود فضاها و شهری و جلوگیری از متروک ماندن و عدم استفاده از فضاها و شهری، شهرداری‌ها مجازند مالکان و صاحبان اراضی واقع در محدوده شهری را مجبور به احیاء اراضی و یا ایجاد ساختمان اساسی نمایند، در غیر این صورت تنبیهاتی بر آن مترتب است. بعلاوه شهرداری‌ها در حوزه اختیارات خود می‌توانند براساس ضوابط طرح‌های

توسعه شهری، مالکان اراضی واقع در محدوده شهرها را وادار به نرده کشی و یا ایجاد فضای سبز در اراضی متعلقه نمایند.

به طوری که در تبصره (۲) ماده (۱۰) قانون نوسازی و عمران شهری، برای ساختمان‌های نوساز معافیت‌هایی در نظر گرفته شده است و در ماده ۲۹ قانون، برای اراضی واقع در محدوده شهر که فاقد ساختمان اساسی باشد، تنبیهاتی در قالب عوارض، به میزان دو برابر میزان مقرر در ماده (۲) قانون دیده شده است. در تبصره (۱) همین ماده نیز مالکین این گونه اراضی را که طبق نقشه شهرداری به نرده کشی و ایجاد فضای سبز در اراضی مزبور اقدام نمایند، مشمول تشویق نموده است.

«ساختمان‌های اساسی که به جای ساختمان‌های کهنه و قدیمی نوسازی و تجدید بنا شود به مدت سه سال از تاریخ اتمام بنا مشخص شده در پروانه ساختمان از پرداخت عوارض موضوع این قانون معاف خواهند بود».

«عوارض اراضی واقع در محدوده شهر که آب لوله کشی و برق آن تأمین شده و فاقد ساختمان اساسی باشد، دو برابر میزان مقرر در ماده (۲) این قانون خواهد بود».

«در صورتی که مالکین این گونه اراضی، طبق نقشه شهرداری به نرده کشی و ایجاد فضای سبز در اراضی مزبور اقدام کنند، مشمول مقررات این ماده نبوده و عوارض به مأخذ مقرر در ماده (۲) این قانون وصول خواهد شد».

جمع بندی

توسعه سریع شهرنشینی و پیدایش مشکل مسکن در شهرها موجب شد که بسیاری از شهروندان در درجه اول به فکر تأمین سرپناهی برای خود باشند و به نمای ساختمان و یا سیمای شهر توجهی نکنند.

از سوی دیگر در مقایسه با معماری و سیمای شهر در گذشته، به کارگیری مصالح، روشها و تکنولوژی های جدید در احداث بنا، موجب پیدایش مجموعه ای از ساختمان های شهری شده که هیچ گونه هماهنگی در نمای ساختمانها، ارتفاع، حجم، مصالح، رنگ و ... وجود ندارد.

در شرایط کنونی، در حالی که صنعت ساختمان در کشور هنوز از وضع و اجرای مقررات لازم، در مورد ایجاد فضای شهری امن و سالم به دور است، شاید سخن گفتن درباره مطلوبیت سیمای شهر نوعی تجمل گرایی و یا سخنی از سر آسودگی باشد، اما ایجاد محیط و فضای مطلوب شهری، در سلامت روان شهروندان به اندازه ایجاد ساختمان های امن و سالم حایز اهمیت است.

در قانون شهرداری، آنجا که به صدور پروانه برای کلیه ی ساختمانهای شهری اشاره می شود به جزئیات ساختمان پرداخته شده است. از این رو در این قانون اشاره ای هم به کنترل نمای ساختمان نشده، اما در ماده ۲۳ قانون نوسازی و عمران شهری، مستقیماً نظارت بر "نماسازی" به عنوان یکی از مصادیق نظارت بر طرز استفاده از اراضی داخل محدوده و حریم شهر اشاره شده است. همچنین با توجه به اینکه ظاهر ساختمان هایی که به حالت نیمه تمام رها می شوند، از جلوه های بارز آلودگی بصری است، در تبصره ۲ از ماده ۲۹ این قانون، شهرداری موظف است حداکثر مدت را برای پایان

ساختمان قید نمایند. این قانون را می توان به نوعی با اهمیت نمای ساختمان مرتبط دانست. بویژه که در این تبصره بر ساختمان هایی که در "میدان ها و معابر اصلی شهر" احداث می شدند تاکید شده است.

افزون بر این، مصوبه ۱۳۶۹/۸/۲۸ شورای عالی شهرسازی، با عنوان ضوابط و مقررات نمای شهری در ۶ بند کلی به این موضوع اختصاص دارد. بر اساس این مصوبه: "کلیه سطوح نمایان ساختمان های واقع در محدوده و حریم شهرها و شهرکها که از داخل معابر قابل مشاهده است، اعم از نمای اصلی یا نمای جانبی، نمای شهری محسوب شده، لازم است با مصالح مرغوب به طرز مناسب و زیبا و هماهنگی نماسازی شود". براساس این قانون "صدور گواهی پایان کار ساختمان، مشروط به انجام نماسازی فضاهای اصلی و جانبی است.

همچنین برای ضابطه مند شدن نمای ساختمان ها در بخش های مختلف شهر، کلیه شهرهای دارای طرح جامع و تفصیلی و هادی و شهرکسازی، موظف شده اند ظرف مدت شش ماه، ضوابط و مشخصات نماسازی هماهنگ تهیه کرده و به تصویب مراجع تصویب کننده طرحها برسانند. همچنین مقرر شده همراه طرح های جامع و تفصیلی و هادی و شهرکسازی، بعد از تاریخ مصوبه نیز ضوابط و مشخصات نماسازی هماهنگ به تصویب برسد. در آخرین بند این مصوبه، مهندسان مشاور و دارندگان پروانه اشتغال به کار مهندسی مکلف شده اند در تهیه و اجرا و نظارت بر طرحهای ساختمانی، نماسازی کامل کلیه سطوح نمایان را رعایت کنند.

در مجموعه مباحث کنترل ساختمانی، نظارت بر جنبه هایی نظیر ایمنی و تراکم، با اندازه گیری های کمی و محاسبات فنی تا حد زیادی امکان پذیر است؛ اما مسائل مربوط به نمای ساختمان و ظاهر شهر از ویژگی های برخوردار است که کنترل و نظارت بر آن را مشکل می کند تا جایی که حتی بعضی مواقع نظارت پذیر بودن آن برای عده ای مورد تردید قرار می گیرد.

اگرچه در مصوبه شورای عالی شهرسازی، تهیه کنندگان انواع طرحهای توسعه ی شهری موظف شده اند که ضوابط و مشخصات نماسازی هماهنگ را تهیه و به تصویب برسانند، اما نظارت بر نمای ساختمانها را نمی توان تنها به استفاده از ضوابط و مقررات مربوط به نوع و یا رنگ مصالح ساختمانی به کار رفته در نمای ساختمان محدود کرد و فقط در یک فصل خاص به آن پرداخت.

واقعیت این است که کنترل فرم و شکل شهر از نظر بصری شامل عرصه وسیعی می شود که تقریباً تمامی ضوابطی که برای توسعه شهری موجود است، مانند مقررات حوزه بندی، ضوابط مربوط به تفکیک اراضی در شهر، مقررات ساختمان و مقررات مربوط به آتش سوزی، بر ظاهر و نمای شهر تاثیر دارد. "تراکم، محل ساختمان / در زمین / و ملزومات فضای باز، مقررات مربوط به خیابانها، بلوک ساختمانها و هندسه ی قطعات تفکیکی، ضوابط مربوط به پارکینگ، تابلوها و علائم، مقررات منظرسازی، نرده ها، خاکبرداری و ایمنی و سروصدا، همه بر ظاهر و نمای شهر تاثیر می گذارند".

همچنین، گروهی که ضوابط و مقررات طرح توسعه نما و ظاهر شهر را تدوین می کنند و یا تصویب کنندگان آن، افزون بر آنکه به نوع و جنس مصالح بنای ساختمان توجه دارند، لازم است موارد زیر را نیز در نظر داشته باشند:

- ۱- ایجاد خط افقی یکسان و نظم مناسب در یک فضا (کنار یک خیابان اصلی، یک معبر، یک میدان و ...)
- ۲- حفظ تراکم ساختمانی برابر در یک ناحیه که حاصل آن همگونی ارتفاع ساختمانها در فضاهای مورد نظر است.
- ۳- به کارگیری مصالح یکسان یا حداقل هماهنگ در فضاهای همجوار.
- ۴- کاربرد ارتفاع یکسان و متناسب با اجزای ساختمانها در نمای اصلی (در فضای عمومی)، مانند خط زیر و بالای پنجره ها، بالکنها و ...

۵- به کارگیری رنگ یکسان (یا حداقل هماهنگ) در نماهای اصلی.

۶- کاربرد حجم های هماهنگ، مناسب و موزون در نماهای اصلی.

۷- کاربری مشابه یا هماهنگ در زمینهای همجوار.

۸- ناحیه بندی شهر برای اعمال موارد فوق بر حسب وضعیت هر ناحیه.

عموم شهروندان- که سازندگان بناهای شهری هستند- نظارت سازمانهای مسئول بر ایمنی، بهداشت، آسایش و صرفه اقتصادی ساختمانهای در دست احداث را تقریباً به راحتی می پذیرند. از این رو نظارت بر رعایت اصول و مقررات در این زمینه نیز نسبتاً آسانتر است، اما درباره ارزش زیبایی ساختمان، کسانی هستند که حتی ثانوی بودن این ارزش را نیز انکار می کنند، در این صورت نظارت در این زمینه با مشکل مواجه می شود. این مشکل در شرایطی که شهروندان برای ساخت مسکن با مشکلات اقتصادی دست به گریبان هستند، تشدید می شود. در اینجا توجه به چند نکته، بسیار مهم است:

- با آموزش و ارتقای سطح زیبایی شناسی، علاقه عموم شهروندان به ارزشهای زیبایی بنا جلب شود.
 - ارائه ضوابط و مقررات دست و پاگیر، اجرای نظارت را مشکل می کند. ضوابط و مقررات مربوط به نما حتی الامکان باید سهل باشد و به موارد بسیار جزئی نپردازد.
 - امکانات اقتصادی مردم برای ضوابط و مقررات مربوطه مورد توجه قرار گیرد.
 - در تعیین ضوابط و مشخصات نماسازی هماهنگ، در هر بخش از شهر، عناصر مثبت در وضع موجود بناها شناسایی شده و از آن حداکثر استفاده به عمل آید.
 - در به کارگیری معیارهای مربوط به نما و ظاهر شهر مشکلات دیرینه ای وجود دارد.
- درک محیط نه تنها وابسته به فرم قابل رویت مظاهر شهر و ماهیت عینی آن است، بلکه به طبیعت مشاهده گر، زمینه های زندگی و همچنین نیازها و مقاصد و محیط اجتماعی او بستگی دارد. یک چیز واحد را دو شخص از دو طبقه اجتماعی مختلف ممکن است به دو صورت متفاوت مشاهده کنند.

شهروندانی از طبقات پایین جامعه را ممکن است عواملی چون علائم ایمنی، ثبات، تازگی، تحرک و پیشرفت به خود بخواند و فرمهایی ایشان را به وجد آورد که به دیده ی طبقات بالای جامعه خشن و سخت می آید. محیطی نیکو باید هر دو دسته را راضی کند، درحالی که امکاناتی تازه به دست می دهد تا امیال هر دو گروه وسعت یابد.

ساختمانهای شهری که در کنار یکدیگر قرار دارند، دارای کارکردهای گوناگونی هستند و طبیعتاً نمای هر ساختمان با توجه به کارکرد و ابعاد آن طراحی می شود. از سوی دیگر چنانچه طراحی نمای هر ساختمان بدون در نظر گرفتن نمای ساختمانهای دیگر صورت گیرد، هماهنگی نمای شهری به آشفتگی می گراید: بنابراین ضوابط و مقررات مربوط به نمای ساختمان باید به گونه ای تنظیم شود که تناقض بین جنبه عمومی و خصوصی نماها از بین برود

شهرداری ها به عنوان نهاد محلی و مجری توسعه شهری در کشور، مکلفند از اغتشاشات بصری، درهم ریختگی فضاهای شهری از خیابان ها و کوچه ها گرفته تا مبادی ورودی شهرها، از محدوده شهر گرفته تا حریم شهر، از نمای ساختمانهای شهری گرفته تا تامین فضای سبز شهری، تدابیر خاصی اتخاذ نمایند، این تدابیر از جلوگیری از مخاطرات و بلایای طبیعی تا رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته واقع در معابر شهری و جلوگیری از گذاشتن هر نوع شی در بالکن ها و ایوان های مشرف به معابر عمومی شهری را شامل می شود.

یکی از مشکلات اساسی موجود در شهرها که برنما و سیمای شهری اثر نامطلوب و ناخوشایندی دارد، ساختمان های متروکه و نیمه ساخته ای است که به عنوان یک معضل اساسی در شهرها خود نمایی می کند. به منظور جلوگیری از رها کردن ساختمان های نیمه تمام و مدیریت بر ساخت و سازهای شهری و جلوگیری از اتلاف منابع ملی و معطل ماندن بناهای نیمه کاره و نیز کسانی که در میدان ها و معابر اصلی شهر اقدام به ساختمان می کنند، مالکان املاک و اراضی مکلفند براساس زمان بندی قید شده در پروانه ساختمانی اقدام به اتمام بنا نمایند، در غیر اینصورت مشمول جرایم موضوع تبصره (۲) ماده (۲۹) قانون نوسازی و عمران شهری خواند شد.

«در پروانه های ساختمانی که از طرف شهرداری ها صادر می شود، باید حداکثر مدتی که برای پایان یافتن ساختمان ضروری است قید گردد و کسانی که در میدان ها و معابر اصلی شهر اقدام به ساختمان می کنند باید ظرف مدت مقرر در پروانه ها، ساختمان خود را به اتمام برسانند و در صورتی که تا دو سال بعد از مدتی که برای اتمام بنا در پروانه قید شده باز هم ناتمام بگذارند عوارض مقرر در این قانون به دو برابر افزایش یافته و از آن به بعد نیز اگر ساختمان همچنان ناتمام باقی بماند، برای هر دو سالی که بگذرد عوارض به دو برابر مآخذ دو سال قبل افزایش خواهد یافت تا به ۴ درصد در سال بالغ گردد».

از طرفی اتخاذ تدابیر لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و آتش سوزی، جلوگیری از خطر ریزش بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در اماکن عمومی و خصوصی که مخل زیبایی شهر است از وظایف شهرداری ها تعریف شده است. بعلاوه امروزه یکی از معضلات اساسی شهرها اغتشاشات بصری ناشی از گذاشتن انواع و اقسام اشیاء در بالکن ها و ایوان های مشرف بر معابر عمومی است که جلوگیری از آنها در حیطه وظایف شهرداری ها است.

«اتخاذ تدابیر موثر و اقدام لازم برای حفظ شهر از خطر سیل و حریق و همچنین رفع خطر از بناها و دیوارهای شکسته و خطرناک واقع در معابر عمومی و کوچه‌ها و اماکن عمومی و دالان‌های عمومی و خصوصی و پرکردن و پوشاندن چاه‌ها و چاله‌های واقع در معابر و جلوگیری از گذاشتن هر نوع اشیا در بالکن‌ها و ایوان‌های مشرف و مجاور به معابر عمومی که افتادن آنها موجب خطر برای عابرین است و جلوگیری از ناودان‌ها و دودکش‌های ساختمان‌ها که باعث زحمت و خسارت ساکنین شهرها باشد».

«در کلیه موارد مربوط به رفع خطر از بناها و غیره و رفع مزاحمت‌های مندرج در ماده فوق شهرداری پس از کسب نظر مامور فنی خود به مالکین یا صاحبان اماکن یا صاحبان ادوات منصوب، ابلاغ مهلت‌دار متناسبی صادر می‌نماید و اگر دستور شهرداری در مهلت معین به موقع اجرا گذاشته نشود، شهرداری راسا با مراقبت مامورین خود اقدام به رفع خطر یا مزاحمت خواهد نمود و هزینه مصروف را به اضافه صدی پانزده خسارت از طرف دریافت خواهد کرد. مقررات فوق شامل کلیه اماکن عمومی مانند سینماها، گرمابه‌ها، مهمانخانه‌ها، دکاکین، قهوه‌خانه‌ها، کافه رستوران‌ها، پاساژها و امثال آن که محل رفت و آمد مراجعه عمومی است نیز می‌باشد».

یکی دیگر از مسائلی که در زیباسازی شهر و بهبود سیمای شهری بسیار تاثیر گذار است، استفاده از مصالح و ابزار مناسب و با کیفیت در ساخت فضاهای شهری است، این ابزار که به عنوان تجهیزات و مبلمان شهری از آنها نام برده می‌شود، از لوحه‌های مربوط به نام گذاری معابر شهری گرفته تا جدول گذاری طرفین خیابان‌ها و کوچه‌ها و نصب تابلوهای الصاق اعلانات و تجهیز فضاهای شهری به مبلمان مناسب از جمله وظایف شهرداری‌ها تعریف شده است، لذا ضرورت دارد شهرداری‌ها برای این منظور با بهره‌گیری از دانش متخصصین و فناوری‌های نوین ضمن طراحی مناسب در خصوص مکان یابی نصب و وضع ضوابط مناسب برای نصب آنها اقدام نمایند تا از نظر بصری، فضاهای شهری دستخوش نابسامانی و اغتشاش نشوند.

«ساختن خیابان‌ها و آسفالت کردن سواره‌روها و پیاده‌روهای معابر و کوچه‌های عمومی و انهار و جدول‌های طرفین از سنگ، آسفالت و امثال آن به هزینه شهرداری هر محل».

«وضع مقررات خاصی برای نام گذاری معابر و نصب لوحه نام آنها و شماره گذاری اماکن و نصب تابلوی الصاق اعلانات و برداشتن و محو کردن آگهی‌ها از محل‌های غیر مجاز و هر گونه اقداماتی که در حفظ نظافت و زیبایی شهر موثر باشند». یکی از اغتشاشات بصری موجود در شهرهای ایران، نصب و الصاق انواع آگهی‌های تبلیغاتی است که بر سیمای شهری و نماهای ساختمان‌های شهری چهره‌ای نازیبا ایجاد می‌کند و نهاد متولی این امر شهرداری‌ها هستند که علاوه بر وظیفه جلوگیری از نصب و الصاق آنها مکلفند محل‌هایی را در نقاط مختلف شهر مشخص نمایند تا شهروندان از این محل‌ها برای نصب آگهی‌های خود استفاده نمایند.

«نوشتن هر نوع مطلبی یا الصاق هر نوشته‌ای بر روی دیوارهای شهر که مخالف مقررات انجمن شهر باشد ممنوع است، مگر در محل‌هایی که شهرداری برای نصب و الصاق اعلانات معین می‌کند و در این محل‌ها فقط باید به نصب و الصاق

آگهی اکتفا کرد و نوشتن روی آن نیز ممنوع است متخلف علاوه بر تادیه خسارت مالکین به پرداخت پانصد تا یک هزار ریال جریمه محکوم خواهد شد».

«نسبت به زمین یا بناهای مخروبه و غیر مناسب با وضع محل و یا نیمه تمام واقع در محدوده شهر که در خیابان یا کوچه و یا میدان قرار گرفته و منافعی با پاکی و پاکیزگی و زیبایی شهر یا موازین شهرسازی باشد شهرداری با تصویب انجمن شهر می تواند به مالک اخطار کند، اما ظرف دو ماه به ایجاد نرده یا دیوار و یا مرمت آن، منطبق با نقشه انجمن شهر اقدام کند. اگر مالک مسامحه و یا امتناع کرد، شهرداری می تواند به منظور تامین نظر و اجرای طرح مصوب انجمن در زمینه زیبایی و پاکیزگی و شهرسازی هر گونه اقدامی را که لازم بداند معمول و هزینه آن را به اضافه صدی ده از مالک یا متولی و یا متصدی موقوفه دریافت نماید ...»

امروزه بخش عمده‌ای از اغتشاشات بصری در فضاهای شهری کشور در بخشی از شهر اتفاق می افتد که به عنوان بافت فرسوده از آن نام برده می شود. این فضاها یکی از معضلات اساسی شهرهای کشور و دغدغه اساسی مدیریت شهری است که بخش اعظم فضاهای شهری ایران را در بر گرفته است، همان طوری که در سطور پیشین بیان شد، گرچه متولی اجرای برنامه‌های توسعه شهری شهرداری‌ها هستند و جایگاه قانونی هم برای این نهاد محلی متصور می باشد، ولی به دلیل راهبردهای توسعه‌ای، مرکز گریز طرح‌های توسعه شهری - که اجرای آنها توسط شهرداری‌ها الزام آور است - گسترش بافت‌های فرسوده روز افزون است، مع الوصف در ماده (۱) قانون نوسازی و عمران شهری وظیفه نوسازی شهری بر عهده شهرداری‌ها بوده و این نهاد در چارچوب مفاد ماده (۱۱۱) قانون شهرداری مکلف به تاسیس نهاد تخصصی برای بهسازی نوسازی این فضاها می باشد.

«به منظور نوسازی شهرها، شهرداری‌ها می توانند از طریق تاسیس موسساتی با سرمایه خود، خانه‌ها و مستغلات و اراضی و محلات قدیمی و کهنه شهر را ... خریداری نمایند و در صورت اقتضا برای تجدید ساختمان طبق طرح‌های مصوب شهرداری بفروشند و یا این که راسا اقدام به اجرای طرح‌های ساختمانی بنمایند».

علاوه بر عناصر مصنوع، عناصر طبیعی، خواه ثابت و خواه متحرک و آن چه که توسط حواس انسان قابل درک است نظیر فضای سبز هم از عناصری هستند که در زیبایی شهرها نقش داشته و به عنوان عناصر بصری سیمای شهری از آنها یاد می شود، به طوری که قطع درختان یا تخریب فضای سبز شهری باعث برهم خوردن منظر شهری شده و علاوه بر جنبه زیست محیطی، بر سیمای شهری اثر نامطلوب خواهد داشت. شهرداری‌ها به عنوان تنها نهاد مسئول اجرای توسعه شهری متولی نظارت و حفظ و نگهداری از فضای سبز شهری بوده و با مدیریت صحیح علاوه بر جلوگیری از بد منظری در قالب کاشت درختان و فضای سبز می توانند باعث بهبود سیمای شهری نیز شوند. به طوری که وظیفه حفظ و گسترش فضای سبز و نظارت بر آن در چارچوب «لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۵۹ و اصلاحیه سال ۱۳۸۷» بر عهده شهرداری‌ها می باشد.

«به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی‌رویه درختان، قطع هر نوع درخت و یا نابود کردن آن به هر طریق در معابر، میادین، بزرگ‌راه‌ها، پارک‌ها، بوستان‌ها، باغات و نیز محل‌هایی که به تشخیص شورای اسلامی شهر، باغ شناخته شوند در محدوده و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری و رعایت ضوابط مربوطه ممنوع است...».

عدم وجود ضوابط و مقررات قابل درک که بتواند به شناسایی فضاها و مناطق مختلف شهر به صورت هویت‌های مستقل کمک کند، آنقدر اغراق آمیز است که نوعی وحدت بصری بیمارگونه و گسترده در تمامی نقاط شهر را موجب شده است.

در آستانه جامعه مدنی نیاز به ساماندهی نما شدیداً احساس می‌گردد و این مهم فقط با هماهنگی دست اندرکاران ساخت و نگهداری شهر و بناهای آن میسر می‌گردد، زندگی را نباید این طرف و یا آن طرف یک نما دید، در داخل زندگی خصوصی و در بیرون زندگی عمومی در جریان است، زندگی جمعی اگر مهمتر از زندگی فردی نباشد از آن کم اهمیت تر نیست.

وقتی درباره شهری با هویت ایرانی صحبت می‌کنیم باید این امر در سیمای این شهر مشهود باشد، چرا که سیمای هر شهر نشان دهنده فرهنگ، هنر، مذهب، اقتصاد و ... آن شهر است. بررسی آماری نشان می‌دهد در هر سال ۵۰ میلیون نفر به جمعیت شهرنشین کشورهای در حال توسعه اضافه می‌شود. در ایران نیز شهرنشینی طی دهه‌های گذشته با شتاب فزاینده‌ای گسترش یافته و همچنان این روند ادامه دارد. رشد سریع جمعیت و گرایش مردم به شهرنشینی، تقاضای فزاینده‌ای را برای تهیه مسکن به دنبال داشته که این موضوع در پی خود مشکلات عدیده‌ای در زمینه توسعه شهری به وجود آورده است. ناتوانی در پاسخگویی مطلوب و مناسب به این مساله، وضعیت نامطلوبی را به صورت بی‌مسکنی، بدمسکنی و تنگ‌مسکنی برای بسیاری از اقشار جامعه به همراه آورده است. مسکن به عنوان یکی از نیازهای نخستین بشر، ابتدایی‌ترین سوالی بوده که انسان سعی در یافتن پاسخی مناسب و معقول برای آن بوده است، اما همیشه در برنامه‌ریزی‌های ملی به مسکن نه به عنوان محلی برای آسایش ساکنان در ابعاد عینی و ذهنی، بلکه به عنوان یک مشکل اقتصادی و فقط از این بعد برخورد شده است.

سازندگان و تولیدکنندگان مسکن آزاد به دلیل اینکه به دنبال فروش سریع و بازگشت سرمایه خود هستند، سعی در هر چه بیشتر مطرح کردن خود در محله مسکونی و نمایشی متمایز از بنای خود دارند و به همین دلیل یکی از دلایل عمده ناهماهنگی نمای ساختمان‌ها در سطح شهر هستند. در رابطه با مسکن تعاونی شرایط بدتری وجود دارد. به دلیل وضعیت مالی ضعیف سازندگان و اینکه ساکنان و مالکان به دنبال فروش ساختمان نیستند، بدون انجام عملیات پایانی نظیر نماسازی مورد استفاده قرار می‌گیرند و یا با کمترین هزینه و بدون طراحی نما، حجم و کالبد ساختمان رها می‌شوند. البته در سال‌های اخیر در شهر تهران هیچ ساختمانی بدون نماسازی نبوده است، لیکن این مسأله در شهرستان‌ها همچنان انجام می‌شود.

در بسیاری از شهرهای بزرگ جهان، ضوابط و مقررات ویژه‌ای در ارتباط با سیما و کالبد شهر وجود دارد و گروهی از برجسته‌ترین افراد با تخصص‌های مرتبط هنر زیباسازی و زیباشناسی به کنترل طرح‌های بزرگ و کوچک معماری و شهری از نقطه نظر هماهنگی نمای بیرونی ساختمان‌ها و محیط شهری یعنی از جنبه‌های رنگ، حجم، مصالح مناسب، فضای پر و خالی نما، رعایت اصول هماهنگی و تناسبات و ... می‌پردازند.

منابع و مآخذ

- جمشیدزاده، ابراهیم (۱۳۸۷)، آشنایی با قانون نوسازی و عمران شهری، شهرداری تهران.
- تولایی؛ نوین (۱۳۸۶)، شکل شهر منسجم، نشر: امیرکبیر، تهران.
- فکوهی؛ ناصر، (۱۳۸۳) انسان شناسی شهری نشر نی، تهران.
- دانشپور؛ سید عبدالهادی، (۱۳۷۹) بازشناسی مفهوم هویت در فضای عمومی شهری، تهران.
- لینچ؛ کوین، (۱۳۷۴) سیمای شهر، ترجمه: منوچهر مزینی، نشر: دانشگاه تهران.
- احمدی، بابک، (۱۳۸۰)، حقیقت و زیبایی، نشر مرکز.
- اونسن توماس، ترجمه مهشید شکوهی، تیس، ۱۳۸۷، گونه شناسی فضا در شهرسازی (روشی به منظور طراحی زیباشناسانه در شهرها)، انتشارات دانشگاه هنر، تهران.
- ایرانشاهی، علی، (۱۳۹۱)، شهرداران موفق ۱- شهرسازی، تخلفات ساختمانی، کمیسیون ماده ۱۰۰.
- بحرینی، سید حسین، (۱۳۸۳)، تحلیل فضاهای شهری، انتشارات دانشگاه تهران.
- ثناگر، الهام، سمین تبادکان، فاطمه، (۱۳۸۷)، مطالعه تطبیقی اجزاء شهری با توجه به نظریات اندیشمندان شهرسازی، پایان نامه کارشناسی شهرسازی.
- دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، ۱۳۸۷، مقررات شهرسازی و معماری و طرح های توسعه و عمران مصوب شورای عالی شهرسازی و معماری ایران، نشر توسعه ایران، تهران.
- درمانی، نگار، (۱۳۸۷)، بررسی راهبردهای زیباسازی محیط های شهری، طرح نهایی کارشناسی شهرسازی.
- دفتر تدوین و ترویج مقررات ملی ساختمان، ۱۳۸۷، مبحث چهارم الزامات عمومی ساختمان، نشر توسعه ایران، تهران.
- دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، ۱۳۸۷، تبیین و معرفی مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران در خصوص ارتقاء کیفی سیما و منظر شهری، دفتر معماری و طراحی شهری وزارت مسکن و شهرسازی، تهران
- سعیدنیا، احمد، (۱۳۸۲)، کتاب سبز شهرداری ها جلد ششم، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- سعیدنیا، احمد، (۱۳۸۳)، کتاب سبز شهرداری ها جلد اول، انتشارات سازمان شهرداریهای کشور.
- شکری، نادر، اداره کل تدوین قوانین و مقررات شهرداری تهران، (۱۳۸۹)، مجموعه قوانین و مقررات مورد عمل شهرداری ها، موسسه نشر شهر.

صالحی میلانی، ساسان، ۱۳۸۰، «تأثیر ضوابط و مصوبات مقطعی بر سازمان کالبدی شهر تهران»؛ نشریه آبادی، شماره ۳۹، نشریه آبادی، تهران.

-صنعت گر، پریسا، محسن پور، پریا، (۱۳۸۸-۱۳۸۹)، بررسی عوامل تاثیرگذار بر ایجاد سرزندگی و ادراک مردم بر فضای شهری، پایان نامه کارشناسی شهرسازی.

-عمرانی پور، علی و دیگران، ۱۳۸۶، تأملی بر اولین مقررات ساختمانی شهر تهران؛ نشریه آبادی، شماره ۵۶، نشریه آبادی، تهران.

-کروچه، بندتو، ترجمه، روحانی، فواد، (۱۳۸۸)، کلیات زیبا شناسی، انتشارات علمی و فرهنگی.

-گروتر، یورگ کورت، ترجمه، پاکزاد، جهانشاه، (۱۳۸۸)، زیبایی شناسی در معماری، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.

-لنگ، جان، ترجمه، عینی فر، علیرضا، (۱۳۸۱)، آفرینش نظریه معماری نقش علوم رفتاری در طراحی شهری، انتشارات دانشگاه تهران.

-موگروئر، روبرت، ترجمه، طیبیان، منوچهر، (۱۳۸۰)، تفسیر محیط، انتشارات دانشگاه تهران.

-هال، ادواردت، ترجمه، طیبیان، منوچهر، (۱۳۹۰)، بعد پنهان، انتشارات دانشگاه تهران